

## مبانی حفاظت اطلاعات در اسلام

### پیش گفتار

نام حضرت علی(ع) تداعی کننده عدالت، شجاعت، عبادت، مظلومیت، جوانمردی و... است. اما کمتر کسی است که حضرت علی(ع) را به انجام کارهای اطلاعاتی و جمع آوری خبر از دشمن و سازماندهی تشکیلات حفاظتی و اطلاعاتی بشناسد.

در بررسی تاریخ اسلام و سیره آن حضرت به واژه هایی برمی خوریم که به روشنی حکایت از توجه خاص ایشان به رعایت مسایل و نکات حفاظتی و اطلاعاتی دارد، واژه هایی مانند عین (چشم)، عیون، مطلع، رقیب، مراقب، طلایه و...

### طلایه داران صدر اسلام

در صدر اسلام طلایه داران به افرادی اطلاق می شد که نقش آن ها روشن ساختن اطلاعات و به دست آوردن آن بوده است، در صدر اسلام و گذشته های دور طلایه داران افرادی بودند که از نقل و انتقالات مواضع و عقبه دشمن و نیز انتخاب مناطق عملیاتی برای نیروهای خودی خبر می آوردند. همچنین برای شناسایی مواضع و موقعیت های جغرافیایی دشمن از وجود آن ها استفاده می شد.

پیغمبر اکرم(ص) به اسامه فرزند زید، هنگامی که او را به عنوان فرمانده لشکر به جنگ با رومیان فرستاد، چنین فرمود:

((جاسوسان و طلایه خود را جلوتر از خود و لشکرت بفرست))

در نامه امیرالمومنین به شریح فرزند هانی و زیاد فرزند نضر چنین آمده است:

... پس وقتی که از سرزمین خود بیرون رفتید پس از راهنمایی کردن طلایه و پیش گامان لشکر خود، مراقب علفزارها و بوته زارها، درختان و چیزهایی که در هر طرف برای مخفی شدن دیگران وجود دارد، باشید.

### وجوب دادن خبر به حکومت اسلامی

ابوالاسود دولی، در نامه ای حضرت علی(ع) را از خیانت مخفیانه کار گزارش در بیت المال مسلمین آگاه کرد.

حضرت علی(ع) خطاب به وی نامه ای به این شرح نوشتند:

اما بعد، از محتوای نامه ات و منظوری که داشتی آگاه شدم مثل تو مثل کسی است که خیرخواه و مصلحت اندیش امام و امت خود باشد و به حق همراه و ماینوس بوده و از جور و ستم به دور است. نامه ای را به همکار و رفیق تو نوشته ام و از اطلاعات و اخباری که به من داده بودی، او را آگاه کردم اما از مضمون نامه او را با خبر نکردم و از موضوع مهمی که وجود داشت، به او چیزی نگفتم. پس مراقب اوضاع باش و از آنچه که در اطراف تو می گذرد غافل مشو و آنچه را که به خیر و صلاح مردم می بینی به اطلاع من برسان، چون که این موضوع حقی است بر عهده تو و واجب و الزامی است. خدانگهدار(۲).

از گزارش ابوالاسود دولی و نامه حضرت علی(ع) این مطالب به دست می آید:

(۱) حضرت علی(ع) گزارش ابوالاسود دولی را امری خیرخواهانه دانسته و آن را عملی جهت منافع امام و امت به حساب آورده است.

(۲) حضرت علی(ع) در نامه مبارک خویش مسوولیت ابوالاسود را امری مهم شمرده و اخبار خیانت ها را از او خواسته است چنانکه حضرت علی(ع) می فرماید:

((هر اتفاقی و یا حادثه ای که در مقابل دیدگانت رخ می دهد و فکر می کنی که در جهت منافع عمومی است به اطلاع من برسان و از هیچ چیزی فروگذار نباش))

در واقع حضرت علی(ع) گزارش دادن ابوالاسود دولی به ایشان را که جهت استحکام حکومت می باشد، امری واجب و الزامی می داند.

۳) کسی که گزارش به دست او می رسد، نباید به گونه ای برخورد کند که گزارش و گزارشگر افشا شود و افراد دیگر هم از آن اطلاع یابند.

### روش های حضرت علی(ع) در کسب خبر از دشمن

پاره ای از شیوه های آن حضرت در آگاهی از مواضع دشمن و همچنین اطلاع از عملکرد کارگزاران داخلی به این قرار است:

گماردن جاسوس در منطقه دشمن

گماردن جاسوس به شکل های مختلف در سرزمین دشمن و جمعآوری اخبار از آنان برای دریافت نقاط ضعف و قوت آنان یکی از روش های آن حضرت بوده است.

در نامه حضرت امیر(ع) به قثم بن عباس کارگزار خود در مکه آمده است:

((... اما بعد، جاسوس من در شام برای من نوشته است: مردمی از اهل شام به حج فرستاده شده اند که قلب هایشان کور، گوش هایشان کر، و دیده هایشان کور مادر زاد می باشد...)).

این بیان امام(ع) حاکی از آن است که جاسوس آن حضرت در شام ماندگار است تا هرگونه حرکت سیاسی و نظامی حاکم (معاویه) را گزارش کند.

فرستادن جاسوس در مأموریت فوری و آنی دست یابی به اطلاعات دشمن و جمعآوری اخبار از آنان بویژه در زمان جنگ از روش های آن حضرت بوده است. در جنگ صفین حضرت امیر(ع) به منظور جلوگیری از دستیابی معاویه به اخبار و اطلاعات، گروهی را روانه کرد. معاویه نیز گروهی را به فرماندهی ضحاک بن قیس فهری به سمت گروه حضرت امیر(ع) فرستاد و گروه امیر(ع) را از بین بردند. جاسوسان حضرت خبر واقعه را برای حضرت (ع) آوردند.

به کارگیری عناصر داخلی دشمن

همسر هیثم بن الاسودالعربان (هیثم از نزدیکان معاویه بود) زنی علویه (شیعه) و از علاقه مندان حضرت امیر(ع) بود. اخبار مربوط به معاویه را می نوشت و در افسار اسب قرار می داد و آن را به سوی سپاه حضرت علی(ع) در منطقه صفین روانه می کرد و سپاهیان حضرت، آن را به نزد حضرت علی(ع) می بردند.

تقسیم جاسوسان در مناطق

امیرالمومنین علی(ع) در نامه ای که به یکی از کارگزاران خود می نویسد در زمانی که ابن راشد و بارانش از کوفه گریخته بودند می فرماید:

((...این نامه ای است از بنده خدا امیرالمومنین علی(ع) به کسی که نامه من خطاب به او است (یعنی کارگزار من)... اما بعد، عده ای از افراد و نیروهای ما که از زیر دستان و تابعین حکومت ما بودند، از آنجا گریخته اند و به گمان می رسد که به سمت شهر بصره رفته باشند، پس درباره آن ها از شهروندان خود تحقیق و پرسش به عمل آور و برای دستگیری آن ها به تمام نواحی و بخش های تحت قلمرو حکومت خود جاسوسانی را گسیل بدار...))

از این نامه برمی آید که وظیفه کارگزاران حکومتی این است که از اخبار تمامی عملیات و حرکت های سیاسی و نظامی افراد در حیطه مسوولیت خویش با خبر باشند.